مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن
مسلسل: ۲۲۰۶۳ ■ آذر ۱۴۰۵

بازطراحی ساختار تعرفه‌ای صنایع نساجی - پوشاک با رویکرد توسعه زنجیره ارزش (۱): پیامدها و الزامات سیاستی افزایش حقوق ورودی پارچه

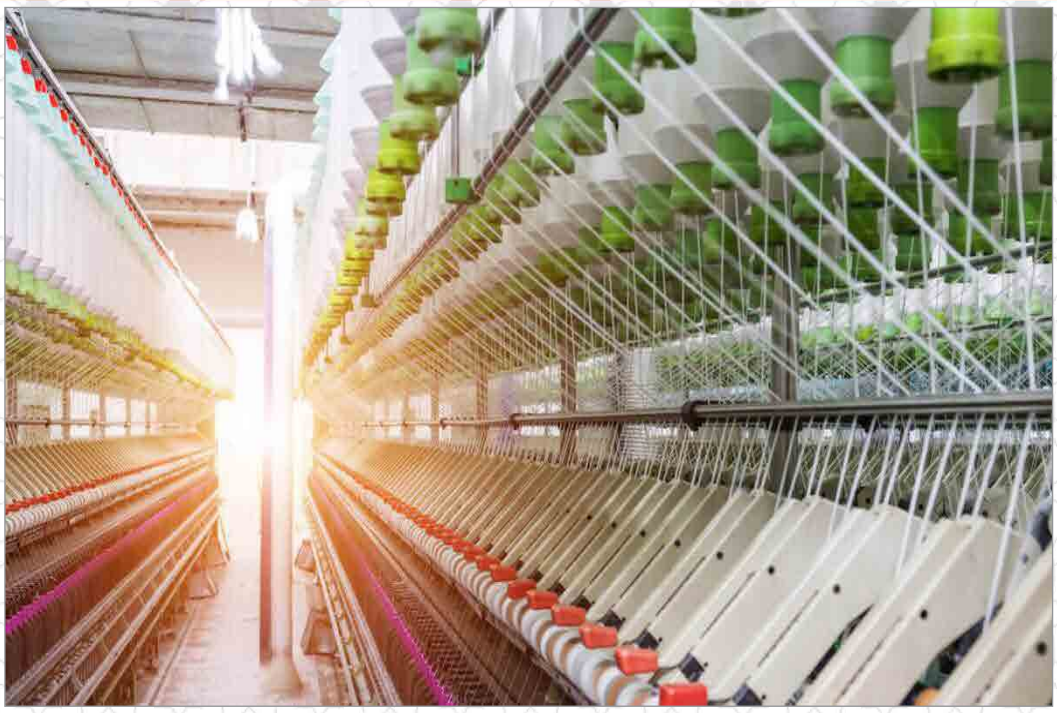

تاریـــخ انتشـــار: ۱۴۰۵/۹/۲
Publish Date : 2026/11/23

عنوان: بازطراحی ساختار تعرفه‌ای صنایع نساجی - پوشـاک با رویکرد توسعه زنجیره ارزش (۱): پیامدها و الزامات سیاستی افزایش حقوق ورودی پارچه

تهیه و تدوین (Author) : فاطمه میرجلیلی

واژه‌هـای کلیدی: سیاسـت صنعتـی، زنجیـره ارزش صنعتی، صنایع نسـاجی - پوشـاک، سـاختار تعرفه‌ای، حقوق ورودی پارچه

ناشـر: مرکزپژوهش‌های مجلس شـورای اسلامی

DOI: https://doi.org/10.22034/mrc.report.22063
Permanent Link: https://report.mrc.ir/article_12086.html
Publisher : Islamic Parliament Research Center of Iran

شماره مسلسل: ۲۲۰۶۳
کد موضوعی: ۳۱۰

نمایه در پایگاه مرکز اطلاعاتی علمی جهاد دانشگاهی (SID) ، پایگاه مجلات تخصصی نور (NoorMags)

عنوان: بازطراحی ساختار تعرفه‌ای صنایع نساجی - پوشاک با رویکرد توسعه زنجیره ارزش (۱): پیامدها و الزامات سیاستی افزایش حقوق ورودی پارچه

نوع گـزارش: طرح/ لایحه☐ ، نظارتی☐، راهبردی ■، پیش‌نویس قانونی☐
نام دفتر: مطالعات انرژی، صنعت و معدن (گروه صنعت و تجاری‌سازی)
مدیر مطالعه: محمدهادی عامری شهرابی
اظهار نظر کنندگان : حسین هرورانی، محمدحسام محمدی‌فرد (دفتر مطالعات اقتصادی)
ناظران علمی : میلاد بیگی، سیدمحسن علوی‌منش، حبیب‌اله ظفریان
گرافیک و صفحه آرایی : نفیسه حاجی‌صفری
ویراستارادبی : اکرم وحدانی فر
تاریخ شروع مطالعه : ۱۴۰۴/۰۸/۰۱

دفترمطالعات انرژی، صنعت ومعدن

فهرست مطالب

چکیده ۶
خلاصه مدیریتی ۷
۱. مقدمه ۸
۲. وضعیت موجود صنعت نساجی و پوشاک کشور ۹
۳. مبانی نظری تعیین نرخ تعرفه در زنجیره ارزش ۱۷
۴. برآورد هزینه قاچاق و نقش آن در کارآمدی سیاست تعرفه‌ای ۱۸
۵. تحلیل کمّی اثر افزایش تعرفه بر قیمت پارچه ۲۲
۶. پیامدهای زنجیره‌ای افزایش تعرفه پارچه در صنعت نساجی و پوشاک ۲۳
۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۲۴
منابع و مآخذ ۲۵

فهرست جداول

جدول ۱. میزان تولید محصولات زنجیره ارزش صنایع نساجی و پوشاک طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۴ ..... ۹
جدول ۲. وضعیت صادرات محصولات زنجیره ارزش صنایع نساجی و پوشاک طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳ ..... ۱۱
جدول ۳. وضعیت واردات محصولات زنجیره ارزش صنایع نساجی و پوشاک طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳ ..... ۱۱
جدول ۴. ترکیب واردات انواع پارچه طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۳ ..... ۱۲
جدول ۵. میزان قاچاق برآوردی صنعت نساجی و پوشاک در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ ..... ۱۵
جدول ۶. آمار واردات ماشین‌آلات نساجی در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ ..... ۱۷
جدول ۷. مفروضات محاسبات هزینه واردات رسمی و قاچاق پارچه سال ۱۴۰۴ ۱ ..... ۱۸
جدول ۸. برآورد هزینه واردات رسمی و هزینه قاچاق پارچه در سناریوهای مختلف ۱۹
جدول ۹. آمار واردات پارچه از مناطق ویژه، آزاد و بازارچه مرزی در سال ۱۴۰۳ ..... ۲۱
جدول ۱۰. برآورد اثر افزایش تعرفه پارچه بر قیمت آن ۲۲

فهرست شکل‌ها

شکل ۱. نمودار وضعیت تولید و مصرف محصولات زنجیره نساجی (منسوجات خانگی، کالای خواب و تکنیکال) و پوشاک در سال ۱۴۰۲ ..... ۱۰
شکل ۲. نمودار ارزش واردات محصولات الیاف، نخ و پارچه طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳ ..... ۱۲
شکل ۳. نمودار ساختار صنایع نساجی و پوشاک از منظر الگوی فعالیت ۱۵
شکل ۴. نمودار سهم تشکیل سرمایه ثابت صنعت نساجی از کل صنعت ۱۶

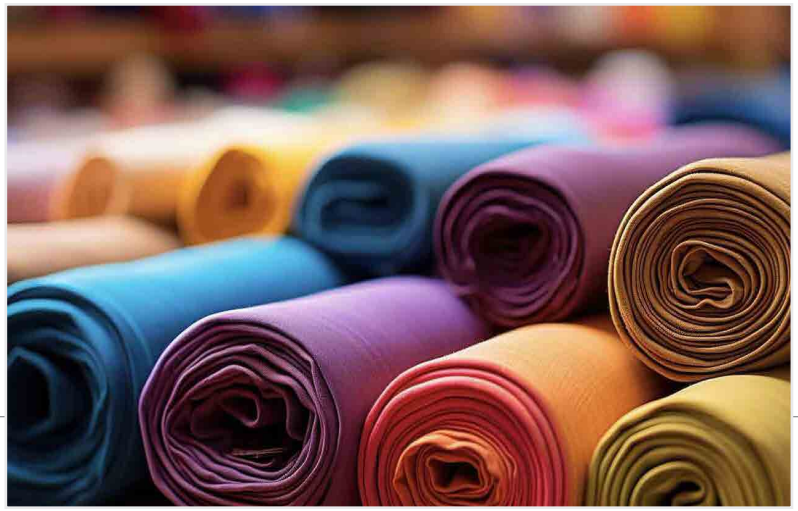

بازطراحی ساختار تعرفه‌ای صنایع نساجی - پوشاک با رویکرد توسعه زنجیره ارزش (۱):
پیامدها و الزامات سیاستی افزایش حقوق ورودی پارچه

چکیده

زنجیره ارزش صنعت نساجی - پوشاک ایران به‌عنوان یکی از رشته‌فعالیت‌های راهبردی و اشتغال‌زا با سهم قابل توجه در ایجاد ارزش‌افزوده صنعتی، نقش مهمی در اقتصاد صنعتی کشور ایفا می‌کند. در این چارچوب، سیاست‌های تعرفه‌ای به‌عنوان یکی از **ابزارهای اصلی حمایت از تولید داخلی و تنظیم تناسب در طول زنجیره ارزش** در این صنعت مطرح است. این گزارش با اتکا به داده‌های تولید، مصرف، واردات، صادرات و برآورد قاچاق، پیامدهای افزایش تعرفه پارچه را بر صنعت پوشاک تحلیل می‌کند. نتایج پژوهش بیانگر این است که اگرچه تولید داخلی در **برخی حلقه‌ها به‌ویژه نخ و پارچه‌های حلقوی** از ظرفیت قابل قبولی برخوردار است، در بخش **پارچه‌های تاری و پودی** و همچنین از منظر **کیفیت و تنوع و تأمین مواداولیه مورد نیاز این صنعت**، همچنان وابستگی به واردات وجود دارد. برآوردهای کمّی صورت‌گرفته حاکی از آن است که افزایش تعرفه پارچه از ۱۵ به ۳۰ درصد، به **رشد حدود ۱۳درصدی قیمت نهایی پارچه وارداتی** و در نتیجه **افزایش ۵ تا ۶/۵درصدی بهای تمام شده تولید پوشاک** منجر می‌شود. درحالی‌که، **از منظر تناسب زنجیره**، این سیاست می‌تواند **سودآوری و انگیزه سرمایه‌گذاری در بخش تولید پارچه** را افزایش دهد، اما درصورت اتخاذ نکردن **سیاست‌های مکمل مناسب** برای رشد ظرفیت و کیفیت تولید داخلی، فشار هزینه‌ای بر صنعت پوشاک و مصرف‌کننده نهایی تشدید خواهد شد. براساس نتایج این گزارش، کارآمدی سیاست‌های حمایتی تولید در صنعت نساجی، ازجمله افزایش تعرفه، منوط به هماهنگی و یکپارچگی مجموعه سیاست‌های اتخاذ شده در این حوزه، ازجمله موضوع بازسازی و نوسازی صنعت و واردات ماشین‌آلات مورد نیاز، مدیریت صحیح واردات از مناطق آزاد و مرزی است. **به همین منظور پیشنهاد می‌شود هرگونه سیاست حمایتی ازجمله افزایش تعرفه‌ها منطبق بر برنامه حمایتی مشخص برای زنجیره نساجی و پوشاک کشور تعیین و اجرا شود.**

خلاصه مدیریتی

بیان / شرح مسئله

با وجود اینکه موضوع افزایش سود بازرگانی پارچه با هدف تقویت تولید داخل و تعمیق زنجیره ارزش توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت پیشنهاد شده است، لکن چنانچه هم‌زمان با آن، سیاست‌های مکمل برای افزایش ظرفیت، ارتقای کیفیت و تکمیل زنجیره ارزش اجرا نشود، این سیاست ممکن است باعث افزایش هزینه تولید در صنعت پوشاک و در نهایت فشار بر مصرف‌کننده شود. لذا در این گزارش تلاش شده است به این پرسش پاسخ داده شود که آیا افزایش تعرفه پارچه، بدون طراحی یک بسته حمایتی منسجم، زمان‌مند و متناسب با همه اجزای زنجیره نساجی و پوشاک و بدون مدیریت یکپارچه مقابله با قاچاق و سایر رویه‌های موجود، می‌تواند اثربخشی لازم را داشته باشد و هزینه این افزایش بر صنعت پوشاک به چه نحو است؟

نقطه‌نظرات / یافته‌های کلیدی

- **رشد واردات پارچه در سال‌های اخیر:** طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳ حدود ۶۶۶ هزار تن پارچه به ارزش ۴ میلیارد دلار وارد کشور شده و واردات سالیانه از نظر وزنی و ارزشی روندی افزایشی داشته است.
- **افزایش قیمت متوسط پارچه وارداتی:** قیمت هر کیلوگرم پارچه وارداتی از ۴٫۳۸ دلار در سال ۱۳۹۵ به ۵٫۴ دلار در سال ۱۴۰۳ افزایش یافته که می‌تواند نشان‌دهنده تغییر ترکیب، کیفیت، تورم جهانی یا تأثیر عوامل ارزی و رانتی باشد.
- **تغییر ساختاری در ترکیب واردات پارچه:** سهم پارچه‌های غیرصنعتی (دارای قابلیت تولید داخلی) از کل واردات، از ۴۲ درصد در سال ۱۳۹۵ به بیش از ۸۸ درصد در سال ۱۴۰۳ افزایش یافته است.
- **خروج سالیانه ارز برای کالاهای قابل تولید داخلی:** افزایش واردات پارچه‌های غیرصنعتی به‌معنای خروج سالیانه حدود ۸۰۰ میلیون دلار ارز برای محصولاتی است که حداقل بخشی از آنها در داخل کشور قابلیت تولید دارند.
- **ناکارآمدی سیاست‌های حمایتی پیشین:** افزایش واردات پارچه‌های رقیب تولید داخلی نشان می‌دهد سیاست‌های تعرفه‌ای و کنترلی گذشته نتوانسته‌اند از تولید داخلی به‌طور مؤثر حمایت کنند.
- **نقش پررنگ مناطق آزاد، ویژه و بازارچه مرزی در واردات پارچه:** در سال ۱۴۰۳ حدود ۷۵ درصد از واردات پارچه از طریق مناطق آزاد، ویژه و بازارچه مرزی صورت گرفته است.
- **فرسودگی ماشین‌آلات، گلوگاه اصلی صنعت نساجی:** باوجود واردات ماشین‌آلات نساجی در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳، نوسازی تجهیزات به‌ویژه در حلقه‌های بافندگی و تکمیل همچنان ناکافی است.
- **قاچاق گسترده منسوجات و پوشاک:** ارزش قاچاق صنعت نساجی و پوشاک از ۱٫۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۸ به حدود ۲٫۹ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۱ افزایش یافته و قاچاق پارچه و پوشاک اثربخشی سیاست‌های تعرفه‌ای را به‌شدت تضعیف کرده است.
- **مزیت اقتصادی قاچاق نسبت به واردات رسمی:** مقایسه هزینه‌ها نشان می‌دهد قاچاق پارچه، به‌ویژه از مسیرهای کم‌ریسک مانند ملوانی، در اغلب سناریوها مقرون‌به‌صرفه‌تر از واردات رسمی است. شایان ذکر است، ایجاد محدودیت در فرایندهای رسمی ثبت سفارش (سقف، سابقه، سهمیه، بهینه‌سازی و...) و تخصیص ارز، از جمله دلایل گرایش به واردات غیررسمی و شبه‌رسمی در سال‌های اخیر بوده است.
- **اثر مستقیم افزایش تعرفه بر قیمت پارچه:** افزایش تعرفه واردات پارچه از ۱۵ به ۳۰ درصد به افزایش حدود ۱۳ درصدی قیمت نهایی پارچه وارداتی منجر می‌شود.
- **افزایش هزینه تولید پوشاک:** باتوجه‌به سهم ۴۰ تا ۵۰ درصدی پارچه در بهای تمام شده پوشاک، افزایش تعرفه پارچه باعث رشد ۵/۲

تا ۶/۵درصدی هزینه تولید پوشاک می‌شود.

- **آثار دوگانه تعرفه بر زنجیره ارزش:** درحالی‌که تعرفه بالاتر می‌تواند سودآوری و انگیزه سرمایه‌گذاری را در تولید پارچه داخلی افزایش دهد، درصورت محدودیت ظرفیت یا کیفیت، فشار هزینه‌ای بر صنعت پوشاک و مصرف‌کننده نهایی تشدید می‌شود. همچنین افزایش هزینه تولید در صنعت پوشاک، رقابت‌پذیری صادرات این صنعت را نیز می‌تواند با محدودیت مواجه کند.
- **ضرورت اجرای سیاست‌های مکمل:** اثربخشی افزایش تعرفه منوط به اجرای هم‌زمان سیاست‌های مقابله مؤثر با قاچاق، تنظیم هدفمند و زمان‌دار تعرفه، و افزایش سرمایه‌گذاری و ارتقای فناوری تولید داخلی در کل زنجیره نساجی و پوشاک است.

پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

تجربه سیاست‌های گذشته نشان داده است که حمایت تعرفه‌ای مجزا از سایر اجزای زنجیره و فقدان سیاست‌های یکپارچه حمایتی، معمولاً نتایج پایدار و اثربخشی ندارد. تعرفه مؤثر نه یک عدد ثابت، بلکه ابزاری پویاست که باید با دقت براساس نرخ ارز، سطح رقابت‌پذیری و ظرفیت تکمیل داخلی در کل زنجیره تنظیم و اجرا شود تا هدف اصلی یعنی توسعه پایدار صنعت نساجی و پوشاک کشور به تحقق درآید؛ لذا حمایت تعرفه‌ای از صنعت نساجی باید مشروط و مقید به زمان (شفاف در طول زمان) باشد تا در نهایت به تولید بیشتر و باکیفیت‌تر در این صنعت بینجامد. علاوه‌بر رعایت تناسب تعرفه در طول زنجیره، اجرای سیاست‌های یکپارچه با هدف افزایش هزینه‌های قاچاق و واردات غیررسمی در صنعت نساجی و پوشاک ضروری است. پیشنهاد می‌شـــود وزارت صمت (از طریق دفتر تخصصی و با همکاری نهادهای مربوطه) برنامه حمایتی مشخصی برای زنجیره پوشاک و نساجی کشور براساس مأموریت‌های مشخص شده در «سند راهبرد ملی پیشرفت صنعتی و ارتقای زنجیره‌های ارزش کشور» مصوب سال ۱۴۰۴، تدوین کند و هرگونه سیاست‌های حمایتی افقی، ازجمله حمایت‌های تعرفه‌ای، در قالب آن تعیین و اجرا شود.

۱. مقدمه

تعرفه ابزاری کلیدی در سیاستگذاری تجاری و صنعتی است که با هدف محوری حمایت از تولیدکنندگان داخلی، حفظ اشتغال در صنایع و کاهش واردات به کار گرفته می‌شود. صنعت نســـاجی و پوشاک به‌عنوان یکی از صنایع دارای ظرفیت بالای اشتغال‌زایی و ایجاد ارزش‌افزوده، در دهه‌های اخیر با چالش‌های ساختاری و رقابتی متعددی مواجه بوده است. پیشنهاد افزایش نرخ تعرفه پارچه، اگرچه با نیت حمایت از تولید داخلی صورت گرفته، اجرای آن باید با رعایت الزامات این حمایت (هدفمند و زمان‌دار بودن آن) و در نظر گرفتن پیچیدگی‌های ساختاری زنجیره ارزش، شکاف نرخ ارز رسمی و بازار، ساختار هزینه‌ها و همچنین تأثیر آن بر مصرف‌کننده نهایی به‌دقت بررسی شود. ازاین‌رو بررسی وضعیت موجود صنعت نساجی و پوشاک کشور از منظر تأمین نیاز داخل، روند واردات و صادرات این صنعت، برآورد قاچاق و برآورد پیامدهای تغییرات تعرفه پارچه بر صنعت پوشاک و در نتیجه مصرف‌کننده نهایی حائز اهمیت است که در ادامه به آن پرداخته شده است.

۲. وضعیت موجود صنعت نساجی و پوشاک کشور

۲-۱. وضعیت تولید و مصرف محصولات زنجیره نساجی و پوشاک

صنایع نساجی و پوشاک یکی از صنایع با دامنه‌ای بسیار وسیع و متنوع است که با بهره‌مندی از سهم ۸درصدی از تعداد کارگاه‌های صنعتی و ۷درصدی از شاغلان صنعتی ازجمله صنایع مهم کشور به‌شمار می‌رود [۱].[۱] در جدول ۱ میزان تولید محصولات زنجیره ارزش صنایع نساجی و پوشاک طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۴ ارائه شده است.

جدول۱. میزان تولید محصولات زنجیره ارزش صنایع نساجی و پوشاک طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۴ [۲]

کالا	واحد سنجش	میزان تولید							
		۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴
الیاف	هزارتن	۳۲۲.۴	۳۵۳.۷	۳۰۹.۷	۳۱۴.۴	۳۲۹.۲	۳۰۰.۵	۲۹۹	۲۳۶
نخ	هزارتن	۷۴۰	۸۰۷	۷۹۲	۷۶۱	۸۳۷	۸۷۲	۷۷۶	۷۶۴
پارچه	هزارتن	۴۰۰	۴۴۶	۴۵۵	۴۶۵	۴۸۰	۵۱۷	۵۰۵	۴۷۰
پوشاک	هزارتن	۳۲۰	۳۷۰	۳۸۵	۳۶۵	۳۸۵	۳۹۹	۴۰۰	۳۷۰
کفپوش(فرش ماشینی و موکت)	میلیون متر مربع	۲۲۰.۴	۲۲۹.۵	۲۲۹	۲۳۰	۲۳۱	۲۴۵	۲۴۹	۲۳۴

بر اساس جدول ۱ در سال ۱۴۰۴ بخش‌های مختلف زنجیره نساجی و پوشاک نسبت به سال قبل با افت تولید مواجه شده‌اند. تولید الیاف با کاهش ۲۱ درصدی به کمترین مقدار تولید در طول سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۴ رسیده است. مقدار تولید نخ کاهش ۱/۵ درصدی، پارچه حدود ۷ درصد، پوشاک ۷/۵ درصد و کفپوش ۶ درصد نسبت به سال ۱۴۰۳ تنزل داشته‌اند. به‌نظر می‌رسد شرایط خاص سال ۱۴۰۴ و رکود حاکم بر بازار، از جمله دلایل این کاهش تولید باشد. در شکل ۱ با توجه به داده‌های در دسترس تصویر جامعی از وضعیت تولید و مصرف محصولات در زنجیره نساجی (منسوجات خانگی، کالای خواب و تکنیکال) و پوشاک در سال ۱۴۰۲ ارائه شده است.[۲]

۱. این آمار فقط شامل فعالیت منسوجات و پوشاک است و فعالیت‌های کفش و دباغی و پرداخت چرم را دربرندارد.
۲. دلیل اختلاف سر جمع اعداد در برخی از گروه کالایی در شکل ۱ نسبت به جدول ۱ این است که در شکل ۱ فقط وضعیت تولید و مصرف محصولات زنجیره نساجی(منسوجات خانگی، کالای خواب و تکنیکال) و پوشاک ارائه شده است.

شکل ۱. نمودار وضعیت تولید و مصرف محصولات زنجیره نساجی (منسوجات خانگی، کالای خواب و تکنیکال) و پوشاک در سال ۱۴۰۲ [۲]

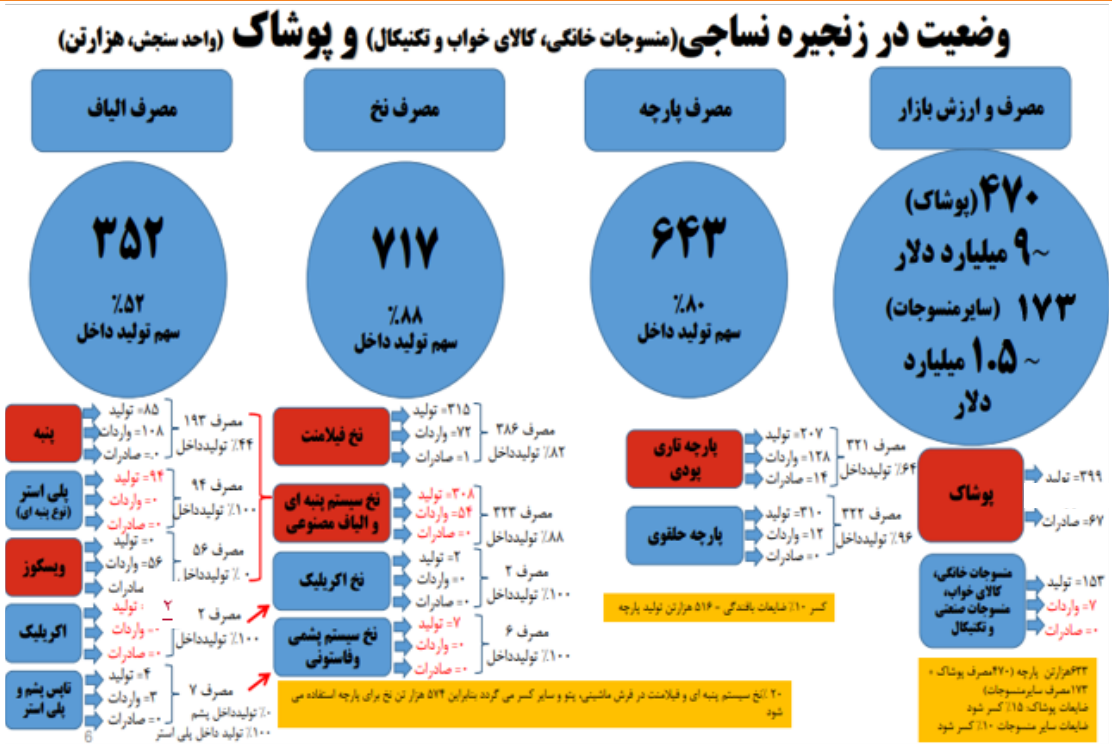

- ساختار تولید و وابستگی

همان‌طور که از شکل ۱ مشخص است در سال ۱۴۰۲ در زنجیره محصولات زنجیره نساجی (منسوجات خانگی، کالای خواب و تکنیکال) و پوشاک، در بخش الیاف طبیعی پنبه، تقریباً تولید داخل ۴۴ درصد مصرف را پوشش می‌دهد، اما به‌واسطه توسعه صنعت پتروشیمی در کشور در بخش الیاف مصنوعی پلی‌استر، تقریباً کل نیاز بازار از تولیدات داخلی پوشـــش داده می‌شود. در بخش تولید نخ، کشور از ظرفیت خوبی برخوردار است و نزدیک به ۹۰ درصد نیاز کشور از تولیدات داخل تأمین می‌شود. در دو حلقه آخر زنجیره این صنعت، یعنی پارچه و پوشاک، نیز بخش قابل توجهی از مصرف توسط تولیدات داخلی تأمین می‌شود. از آمار ارائه شده درخصوص انواع پارچه‌های تولیدی مشخص است که در حوزه پارچه‌های تاری و پودی[۱] نسبت به پارچه‌های حلقوی[۲] نیاز به واردات بیشتر است. به‌گونه‌ای که به‌طور متوسط حدود ۲۰۷ هزار تن پارچه تاری و پودی در کشور تولید می‌شود، اما مصرف این نوع پارچه حدود ۳۲۱ هزار تن است و از این جهت تولید داخل قابلیت تأمین ۶۴ درصد بازار داخل را دارد. درمورد پارچه‌های حلقوی، این رقم تا ۹۶ درصد افزایش می‌یابد. در بخش پوشاک نیز تولیدات داخل تأمین‌کننده بخش عمده‌ای از نیاز داخل بوده است که البته بخشی از پوشاک تولیدی کشور صادر و بخشی نیز عمدتاً از طریق قاچاق وارد کشور شده است.

۲-۲. وضعیت صادرات و واردات محصولات و ماشین آلات زنجیره نساجی و پوشاک

در جدول ۲ وضعیت صادرات محصولات زنجیره ارزش صنایع نساجی و پوشاک طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳ ارائه شده است.

---

۱. در روش بافندگی تاری - پودی، دو دســـته نخ به نام نخ‌های تاروپود وجود دارد. نحوه درهم رفتن نخ‌های تاروپود تعیین‌کننده طرح بافت پارچه است و پارچه‌های تاری - پودی را می‌توان با طرح‌های مختلف تولید کرد. پارچه‌های مانتویی، پیراهنی، فاستونی، برزنت، جین، ملحفه‌ای و برخی از پارچه‌های رومبلی و لباس کار به این روش بافته می‌شوند.

۲. در این سیستم نخ‌ها با ایجاد حلقه‌هایی در جهت عرض پارچه، این نوع پارچه را تولید می‌کنند. این نوع پارچه خاصیت کش‌سانی بالایی دارد و به همین دلیل به پارچه‌های کشباف معروف است. این پارچه‌ها برای تولید لباس زیر، انواع تی‌شرت و شلوارهای راحتی و... به کار برده می‌شود. نوع دیگری از این پارچه‌ها وجود دارد که با نخ ضخیم‌تری بافته می‌شود و به تریکوبافی یا کشبافی معروف است. این پارچه‌ها برای پوشاک زمستانی به کار می‌روند. یکی دیگر از زیرمجموعه‌های این نوع سیستم بافندگی، جوراب‌بافی‌ها هستند.

جدول ۲. وضعیت صادرات محصولات زنجیره ارزش صنایع نساجی و پوشاک طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳ [۲] (وزن: تن / ارزش: هزار دلار)

شرح		۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳
الیاف	وزن	۳۳۲۲۲	۴۲۵۷۴	۷۰۵۶۳	۷۳۵۳۷	۷۳۶۱۵	۹۶۲۸۵
	ارزش	۴۱۷۵۸	۶۰۰۰۰	۴۳۱۴۹	۶۴۶۰۶	۶۱۸۸۶	۸۲۴۲۷
نخ	وزن	۲۵۲۰۸	۲۶۵۰۷	۲۷۱۳۰	۲۸۸۲۵	۳۳۶۲۳	۲۹۷۳۹
	ارزش	۴۰۹۵۱	۳۱۳۴۷	۱۱۸۴۰۸	۴۲۰۲۲	۵۲۳۳۰	۴۰۶۵۱
پارچه	وزن	۱۲۷۹۵	۱۲۳۹۱	۱۹۲۳۲	۱۹۹۷۵	۱۹۶۹۶	۲۰۹۵۴
	ارزش	۵۰۱۴۷	۳۹۶۸۳	۴۷۶۹۹	۴۹۹۳۵	۴۹۵۹۸	۵۳۹۸۵
پوشاک	وزن	۶۸۴۰	۱۷۸۴۴	۱۴۷۳۲	۱۱۸۶۴	۱۴۱۸۳	۱۶۰۵۲
	ارزش	۵۹۲۵۴	۶۰۷۶۴	۶۳۵۹۹	۶۹۳۶۸	۷۷۶۵۳	۸۶۲۸۱
جمع کل*	وزن	۲۸۶۰۷۸	۳۲۴۷۱۱	۳۵۸۹۰۱	۳۸۶۱۳۷	۳۸۷۶۷۷	۴۲۱۸۴۵
	ارزش	۷۴۴۲۱۹	۶۴۷۵۴۱	۶۲۵۲۵۳	۷۷۸۴۰۳	۷۹۷۰۶۸	۸۹۵۲۹۹

*فصل‌های در نظر گرفته شده در جدول شـــامل ۵۰ تا ۶۲ به‌جز فصل ۵۷ است. بخش سایر شامل اقلام فرش ماشینی، موکت، پتو، گونی و کیســـه، منسوجات خانگی، کفش، پوست تا چرم و مصنوعات و چمن مصنوعی در این جدول ارائه نشده است.

براساس آمار جدول ۲، طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳ به‌طور متوسط سالیانه ۱۷ هزار تن به ارزش ۴۷ میلیون دلار انواع پارچه و ۱۳ هزار تن به ارزش ۶۷ میلیون دلار انواع پوشاک از کشور صادر شده است. در ادامه وضعیت واردات محصولات زنجیره ارزش صنایع نساجی و پوشاک طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳ ارائه شده است.

جدول ۳. وضعیت واردات محصولات زنجیره ارزش صنایع نساجی و پوشاک طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳ [۲] (وزن: تن / ارزش: هزار دلار)

شرح		۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳
الیاف	وزن	۲۷۳۳۸۸	۲۳۷۸۲۷	۲۱۷۵۲۸	۲۲۶۰۰۹	۲۹۰۰۰۱	۲۴۶۹۱۱
	ارزش	۶۰۶۹۷۸	۴۸۷۷۴۱	۵۷۵۶۹۸	۶۴۳۶۳۲	۷۲۳۷۴۳	۶۰۴۷۳۱
نخ	وزن	۱۷۸۸۹۹	۱۰۶۶۸۹	۱۱۷۰۸۸	۱۵۹۷۷۴	۲۲۳۲۸۴	۲۱۳۹۵۳
	ارزش	۴۳۰۳۷۱	۲۳۱۴۴۱	۲۸۹۷۷۸	۳۹۰۶۰۷	۴۸۹۸۶۴	۴۵۵۱۹۴
پارچه	وزن	۸۵۶۷۹	۶۵۲۷۹	۱۴۱۸۶۶	۱۴۵۰۸۲	۱۷۵۸۲۷	۱۸۸۹۴۷
	ارزش	۳۶۹۳۴۵	۳۲۰۸۰۳	۷۵۵۴۸۲	۷۱۸۴۳۴	۸۶۲۵۲۳	۹۹۲۲۸۵
پوشاک و ملزومات پوشاک	وزن	۲۰۶۶	۱۷۸	۱۱۷	۳۵۱۴	۵۰۰۸	۴۹۹۲
	ارزش	۵۴۳۹	۹۳۴۴	۴۲۸۵	۱۱۰۲۵	۱۵۰۷۸	۱۵۰۴۳
جمع کل*	وزن	۵۵۲۰۱۱	۴۱۸۴۷۳	۴۸۴۸۵۳	۵۳۹۷۲۷	۷۰۱۱۲۹	۶۶۱۴۸۴
	ارزش	۱۴۶۸۹۹۴	۱۰۹۸۱۱۹	۱۶۷۹۳۴۶	۱۸۲۶۱۳۰	۲۱۶۹۹۶۸	۲۱۴۶۲۷۹

***فصل‌های در نظر گرفته شده در جدول شامل فصول ۵۰ تا ۶۲ HS به‌جز فصل ۵۷ است.** بخش سایر شامل اقلام فرش ماشینی، موکت، پتو، گونی و کیسه، منسوجات خانگی، کفش، پوست تا چرم و مصنوعات و چمن مصنوعی در این جدول ارائه نشده است.

مطابق آمار جدول ۳، طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳ حدود ۶۶۶ هزار تن به ارزش ۴ میلیارد دلار پارچه به کشور وارد شده است. درخصوص پوشاک به‌علت ممنوعیت واردات[۱]، واردات رسمی آن محدود بوده است و عمدتاً شامل ملزومات پوشاک بوده است.

در شکل ۲ ارزش واردات محصولات الیاف، نخ و پارچه طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳ ارائه شده است.

۱. هم‌زمان با محدودیت‌های ارزی و در ادامه نیز با تصویب قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی مصوب سال ۱۳۹۸، واردات پوشاک ممنوع اعلام شد.

شکل ۲. نمودار ارزش واردات محصولات الیاف، نخ و پارچه طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۳ [۲]

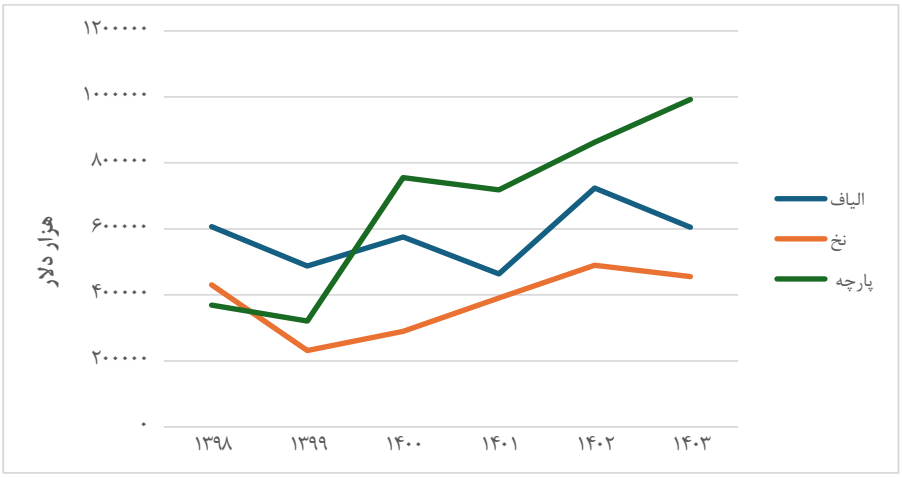

در ادامه ترکیب واردات انواع پارچه طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۳ بررسی شده است.

جدول ۴. ترکیب واردات انواع پارچه طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۳ [۳] (وزن: هزار تن / ارزش: میلیون دلار)

شرح	۱۳۹۵		۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸		۱۳۹۹		۱۴۰۰		۱۴۰۱		۱۴۰۲		۱۴۰۳	
	وزن	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش	وزن	ارزش
پارچه‌های تاروپودباف از پنبه و مخلوط پنبه	۱	۸.۶	۰.۵	۳.۹	۱.۴	۸.۳	۳.۶	۲۰.۵	۲.۳	۹.۹	۱۰.۹	۴۱.۵	۹.۸	۴۰	۱۵.۷	۵۴	۹.۸	۴۰
انواع پارچه‌های تاروپودباف تهیه‌شده از الیاف مصنوعی یا سنتتیک	۲۵.۶	۱۷۲	۳۲	۱۸۹	۱۶	۹۵	۲۴	۱۵۱	۲۶.۵	۱۶۶	۸۸	۵۳۸	۸۵.۸	۴۷۹	۱۰۶	۵۸۳	۱۲۶.۵	۷۲۴
پارچه‌های تاروپودباف از پشم	۰.۰۸۹	۲.۳	۰.۰۶۲	۲.۹	۰.۰۸۳	۵.۳	۰.۰۵۸	۳.۴	۰.۰۶	۳.۱	۰.۰۵۳	۳	۰.۰۳	۱.۵	۰.۱۰۹	۷	۰.۰۵۵	۳.۵
پارچه‌های تاروپودباف مخصوص (مخمل، دانتل و...)	۳.۵	۱۸.۵	۱۳	۳۵.۳	۴	۱۴.۷	۵.۴	۲۴.۵	۴	۱۷	۸	۳۷	۵.۶	۲۴	۷.۸	۳۱	۸.۹	۳۶.۵
پارچه‌های نسجی آغشته، اندود، پوشانده یا منطبق‌شده	۴۳	۱۱۹	۷۲.۵	۱۶۹	۳۳	۱۱۹	۴۶	۱۷۰	۲۴	۱۰۶	۲۳	۹۳	۲۲	۸۹	۲۴	۱۰۳	۲۱.۴	۹۴
پارچه‌های کشباف یا قلاب‌باف	۱.۶	۹	۰.۸۹۵	۳.۵	۰.۶۲۷	۳.۳	۳	۱۸.۵	۴.۷	۲۶	۹.۳	۵۲	۱۰.۲	۵۵	۱۲	۶۳	۱۱.۷	۶۴
مجموع واردات انواع پارچه	۷۵	۳۲۹	۱۱۸.۷	۴۰۴	۵۵	۲۴۶	۸۲	۳۸۹	۶۲	۳۲۸	۱۳۹	۷۶۲.۵	۱۳۳.۷	۶۸۸	۱۶۶	۸۴۲	۱۷۸	۹۶۲
قیمت هر تن پارچه وارداتی (دلار بر کیلوگرم)	۴.۳۸		۳.۴		۴.۵		۴.۷		۵.۳		۵.۵		۵.۲		۵.۰۷		۵.۴	

توضیح: تفاوت در سرجمع واردات پارچه در جداول ۳ و ۴ به‌دلیل اختلاف آماری منابع آن است. اطلاعات جدول ۳ برگرفته از آمار وزارت صنعت، معدن و تجارت است و آمار جدول ۴ برگرفته از آمار انجمن صنایع نساجی ایران است. فصل‌ها و تعرفه‌های چهاررقمی مدنظر قرار گرفته در این جدول شامل ۵۲۰۸-۵۲۱۲ و ۵۴۰۸-۵۴۰۷، ۵۵۱۲-۵۵۱۶، ۵۱۱۲-۵۱۱۱، ۵۸، ۵۹ و ۶۰ است.

بررسی روند واردات پارچه طی دوره ۹ ساله ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که الگوی واردات به دو دوره کاملاً متمایز قابل تقسیم است: دوره اول، سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ است که در آن واردات پارچه با نوساناتی همراه بوده، اما به‌طور میانگین سالیانه حدود ۷۸,۵ هزار تن به ارزش ۲۶۹ میلیون دلار بوده است. دوره دوم، سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ اســت که در آن میانگین سالیانه واردات به حدود ۱۵۴ هزار تن به ارزش ۸۱۳ میلیون دلار افزایش یافته است. این افزایش به‌معنای رشد ۹۶درصدی از نظر وزنی و ۲۰۲درصدی از نظر ارزش دلاری است. افزایش قابل توجه واردات پارچه به ایران در سال‌های اخیر، به‌ویژه از سال ۱۴۰۰ به بعد سؤالات مهمی را پیش‌روی سیاستگذاران قرار می‌دهد. این افزایش به‌معنای خروج سالیانه حدود ۸۰۰ میلیون دلار ارز از کشور برای واردات کالایی است که حداقل بخشی از آن قابلیت تولید در داخل کشور را دارد.

چنین افزایشی و پایداری آن در واردات پارچه، نیاز به بررسی عمیق‌تر ساختار واردات و تغییرات آن در این دوره دارد.

یکی دیگر از نکات مهم، روند قیمت متوسط پارچه‌های وارداتی است. این قیمت از حدود ۴,۳۸ دلار بر کیلوگرم در سال ۱۳۹۵ با روندی تقریباً صعودی به ۵,۴ دلار در سال ۱۴۰۳ رسیده است. این افزایش قیمت می‌تواند ناشی از تغییر در ترکیب پارچه‌های وارداتی، افزایش کیفیت، یا افزایش قیمت‌های جهانی باشد یا بهره‌گیری از رانت اختلاف نرخ ارز نیما و ارز آزاد و به‌منظور دریافت ارز بیشتر باشد.

بررسی دقیق‌تر آمار واردات پارچه نشان می‌دهد که نه‌فقط حجم واردات افزایش یافته، بلکه ترکیب کالاهای وارداتی نیز تغییر قابل توجهی کرده است. چنانچه واردات پارچه به دو دسته اصلی پارچه‌های صنعتی و پارچه‌های غیرصنعتی تقسیم شود، پارچه‌های صنعتی که شامل پارچه‌های فنی، پوشش‌های دیواری، کرباس‌های نساجی و پارچه‌های سیلیکاته می‌شوند، معمولاً به‌دلیل فناوری پیچیده‌تر، تولید داخلی کمتری دارند و واردات آنها برای صنایع کشور اجتناب‌ناپذیر است. در مقابل، پارچه‌های غیرصنعتی شامل پارچه‌های کشباف، پارچه‌های تاروپودباف از نخ‌های فیلامنت، پارچه‌های پنبه‌ای و سایر انواع پارچه، بیشتر قابلیت تولید در داخل کشور را دارند. بررسی آمار جدول ۳ حاکی از یک تغییر ساختاری بنیادین در الگوی واردات پارچه به ایران است. در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸، پارچه‌های صنعتی بیش از نیمی از وزن واردات را تشکیل می‌دادند. به‌عنوان مثال، در سال ۱۳۹۵، حدود ۵۷ درصد از وزن کل واردات پارچه مربوط به پارچه‌های صنعتی بوده است. این سهم در سال ۱۳۹۶ به ۶۱ درصد افزایش یافته و در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ نیز بیش از ۴۰ درصد باقی مانده است. اما از سال ۱۳۹۹ به بعد، این الگو به‌طور چشمگیری تغییر کرده است. در سال ۱۳۹۹، سهم پارچه‌های صنعتی به ۳۲ درصد کاهش یافته و در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ به کمتر از ۱۳ درصد رسیده است. در مقابل، سهم پارچه‌های غیرصنعتی از کل واردات به‌شدت افزایش یافته و از ۴۲ درصد در سال ۱۳۹۵ به بیش از ۸۸ درصد در سال ۱۴۰۳ رسیده است. این تغییر ســاختاری در واردات پارچه از آن لحاظ حائز اهمیت است که برخلاف پارچه‌های صنعتی، بسیاری از پارچه‌های غیرصنعتی قابلیت تولید در داخل کشور را دارند و افزایش واردات آنها می‌تواند به‌معنای آسیب به تولیدکنندگان داخلی باشد. این موضوع نشان‌دهنده ناکارآمدی مکانیزم‌های حمایتی پیشین در ایجاد محدودیت برای کالاهای رقیب تولید داخل است. در ادامه به اهم عوامل افزایش واردات پارچه در سال‌های اخیر اشاره شده است.

– اهم عوامل افزایش واردات پارچه در سال‌های اخیر

افزایش واردات پارچه‌های غیرصنعتی از سال ۱۴۰۰ به بعد، پدیده‌ای نیست که بتوان آن را فقط با تغییرات طبیعی بازار توضیح داد. بررسی‌ها و تحلیل‌های اقتصادی افزایش واردات پارچه‌های غیرصنعتی از سال ۱۴۰۰ به بعد نشان می‌دهد چند عامل کلیدی در این پدیده نقش داشته‌اند که مهم‌ترین آنها به شرح ذیل است:

■ شکاف بین نرخ ارز مبادله‌ای و بازار آزاد

این اختلاف که از سال ۱۳۹۹ به بعد به میزان قابل توجهی افزایش یافت، به ایجاد رانت اقتصادی و انگیزه قوی برای واردات منجر شده است. واردکنندگان با استفاده از ارز مبادله‌ای، که به‌مراتب ارزان‌تر از ارز آزاد است، کالای مورد نظر خود را وارد می‌کنند و آن را با قیمت‌های متأثر از نرخ ارز آزاد در بازار داخلی به فروش می‌رسانند. این شکاف ارزی، به‌ویژه برای کالاهایی مانند پارچه‌های غیرصنعتی که حجم بالایی دارند

و با تعرفه‌های نسبتاً پایین وارد می‌شوند، انگیزه قوی‌تری برای واردات ایجاد می‌کند.

نقش مناطق آزاد، ویژه و مرزی در تسهیل واردات پارچه

عامل مهم دیگر در افزایش واردات پارچه، نقش مناطق آزاد، ویژه و مرزی در تسهیل تجارت است. در سال ۱۴۰۳ حدود ۷۵ درصد از واردات پارچه از طریق مناطق آزاد، ویژه و بازارچه مرزی وارد کشور شده است[۳]. این مناطق با برخورداری از مزایای ویژه گمرکی و معافیت‌های مالیاتی، بستری مناسب برای تسهیل واردات فراهم می‌کنند. مناطق آزاد تجاری مزایای متعددی برای واردکنندگان دارند؛ ازجمله معافیت یا کاهش حقوق گمرکی و سود بازرگانی، امکان ترخیص کالا با حداقل تشریفات گمرکی و امکان استفاده از معافیت‌های مالیاتی و گمرکی خاص. گسترش فعالیت در مناطق آزاد و تسهیل شرایط واردات در این مناطق، به‌ویژه در سال‌های اخیر، می‌تواند یکی از دلایل افزایش قابل توجه واردات پارچه باشد. شایان ذکر است، مجوزهای واردات پیله‌وری، ته‌لنجی و ملوانی به سرزمین اصلی براساس قانون «ساماندهی و نظارت بر تجارت مرزی (کول‌بری و ملوانی) و ایجاد اشتغال پایدار مرزنشینان» نیز مزید بر این علت شده است. با اجرای این قانون در سال ۱۴۰۴، واردات پارچه از مسیر ته‌لنجی و ملوانی افزایش یافته است. بر اساس آمار موجود از تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۷ تا ۱۴۰۴/۱۱/۷ میزان ۶۷ هزار تن انواع نخ و پارچه به ارزش ۴۴۲ میلیون دلار از مسیر ملوانی وارد کشور شده است. همچنین ایجاد محدودیت در فرایندهای رسمی ثبت سفارش (سقف، سابقه، سهمیه، بهینه‌سازی و...) و تخصیص ارز، ازجمله دلایل گرایش به واردات غیررسمی و شبه‌رسمی در سال‌های اخیر بوده است.

سیاست‌های تجاری و تأمین نیاز داخل

علاوه‌بر شکاف ارزی و نقش مناطق آزاد و مرزی، عوامل دیگری نیز در افزایش واردات پارچه نقش داشته‌اند. تغییرات در نرخ تعرفه‌های گمرکی و مقررات واردات، تغییر در سیاست‌های ارزی و تخصیص ارز برای واردات و تغییرات در نیاز بازار و عدم توانایی تولید داخلی در پاسخ‌گویی به این نیازها،[۱] همگی می‌توانند در این افزایش مؤثر بوده باشند. بنا به تصمیمات اتخاذ شده، تعرفه‌ها طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ با توافق میان تشکل‌ها و در راستای حمایت از تولید تنظیم شده بود (الیاف ۵ درصد، نخ ۱۵ تا ۲۰، پارچه ۳۲ و پوشاک ۵۵ درصد)، اما پس از جهش‌های ارزی و چالش‌های موجود در مسیر واقعی‌سازی نرخ ارز گمرکی، این تعادل برهم خورد. به‌طوری که در سال ۱۴۰۰، باوجود جهش‌های ارزی، نرخ ارز سامانه معاملات الکترونیکی[۲] گمرک تغییر نکرد که در این صورت یا باید تعرفه‌ها افزایش می‌یافت یا نرخ محاسبات گمرکی واقعی‌سازی می‌شد تا تعرفه‌ها کارکرد و نقش واقعی خود را در حمایت از ساخت داخل ایفا کنند.

ازاین‌رو بررسی راهکارهای تنظیم وضعیت پیش‌آمده از طریق ابزارهای مؤثر ازجمله تعرفه‌گذاری در بستر سیاست صنعتی کشور و رعایت الزامات آن (حمایت‌های مشروط و زمان‌دار) در کل زنجیره ارزش صنعت نساجی و پوشاک ضروری است.

۳-۲. وضعیت قاچاق صنعت نساجی و پوشاک

یکی دیگر از موانع محدودکننده صنعت نساجی، قاچاق گسترده منسوجات و پوشاک در کشور است. قاچاق به‌دلیل پرداخت نکردن هزینه‌های رسمی، قیمت تمام شده کمتری دارد و بنابراین فعالیت‌های رسمی در رقابت با کالای قاچاق، بازار را از دست می‌دهند. نبود نظارت مؤثر بر مبادی ورودی و ضعف نظام تعرفه‌ای کشور ازجمله دلایل افزایش قاچاق در کشور است. در جدول ۵ میزان قاچاق برآوردی صنعت نساجی و پوشاک در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ ارائه شده است.

---

۱. بررسی‌های موجود حکایت از آن دارد که بخش‌هایی از تولید داخلی پارچه، به‌دلیل عدم نوسازی تجهیزات و استفاده از فناوری‌های قدیمی، قادر به تولید با مشخصات فنی مورد نیاز بخش‌های تولیدی پوشاک به‌ویژه بخش‌های صادراتی آن نیستند. این امر تقاضا را به‌سمت واردات هدایت می‌کند.

2.ETS

جدول ۵.میزان قاچاق برآوردی صنعت نساجی و پوشاک در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱[۴]

گروه کالایی	واحد	ارزش قاچاق (میلیون دلار)			
		۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱
پوشاک	میلیون دلار	۶۷۲	۱۱۳۹	۹۸۷	۱۲۴۷
کفش		۳۷۲	۲۴۰	۹۵۳	۷۸۸
پارچه		۶۷۶	۳۲۶	۴۲۹	۹۴۴
جمع ارزش		۱۷۲۰	۱۷۰۵	۲۳۶۹	۲۹۷۹

همان‌طور که از آمار جدول ۵ مشخص است، روند قاچاق در صنعت نســاجی و پوشاک عمدتاً صعودی بوده است. درمورد محصول پوشاک، عملاً حجم قابل توجه قاچاق، حمایت تعرفه‌ای ممنوعیت واردات از این صنعت را کم‌اثر کرده است. به‌طوری که ارزش قاچاق برآوردی در این صنعت از ۶۷۲ میلیون دلار در سال ۱۳۹۸ به ۱/۲ میلیارد دلار در سال ۱۴۰۱ افزایش یافته است.

۴-۲. ساختار بازار صنایع نساجی و پوشاک از منظر اندازه واحدهای بنگاهی

ساختار صنایع نساجی و پوشاک از منظر الگوی فعالیت در شکل ۳ ارائه شده است.

شکل ۳.نمودار ساختار صنایع نساجی و پوشاک از منظر الگوی فعالیت[۵]



الف- ساختار تولید صنایع پوشاک



ب- ساختار تولید صنایع نساجی

مطابق آمار شکل ۳، بخش مهمی از صنایع پوشاک کشور مربوط به تولید صنفی خُرد است. این درحالی است که حداقل انتظار می‌رود به‌منظور توسعه این صنعت، در کوتاه‌مدت خوشه‌های صنفی پوشاک توسعه یابند. در گام پیشرفته‌تر و در میان‌مدت و بلندمدت ضرورت دارد تا به توسعه شهرک‌ها و پارک‌های تخصصی پوشاک پرداخته شود. به‌لحاظ وضعیت عرضه پوشاک نیز، بخش مهمی از پوشاک کشور در واحدهای نیمه‌سازمان‌یافته (فعال در بازار) عرضه می‌شود و سهم نسبتاً کمی در قالب زنجیره‌ای و برندشاپ‌های تخصصی توزیع می‌شود. این موضوع نیز باید در مسیر برنامه‌ریزی‌های آتی این صنعت مورد توجه قرار گیرد. در صنایع نساجی، وضعیت مناسب‌تر، و سهم واحدهای خُرد و عرضه غیرسازمان‌یافته به نسبت پوشاک بسیار پایین‌تر است. لذا، بازمهندسی ساختار تولید و توزیع صنایع نساجی به نسبت پوشاک در اولویت دوم قرار می‌گیرد. همان‌طور که اشاره شد، یکی از معضلات صنعت پوشاک کشور سهم قابل توجه تولیدکنندگان صنفی انفرادی (نیمه‌سازمان‌یافته) و زیرپله‌ای است که اثربخشی سیاست‌ها برای توسعه این صنعت را با مشکل مواجه کرده است.

۵-۲. وضعیت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در صنعت نساجی

باتوجه‌به اینکه یکی از چالش‌ها و گلوگاه‌های اصلی توسعه صنعت نساجی و پوشاک در کشور فرسودگی ماشین‌آلات است، در ادامه وضعیت تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در این صنعت و واردات ماشین‌آلات در این بخش بررسی شده است.

صنعت نساجی کشور به‌دلیل عدم بهره‌مندی از فناوری‌های جدید و به‌روز و همچنین دانش فنی، در مقایسه با صنعت نساجی دنیا عقب‌تر، و قدرت رقابت آن درحال تضعیف است. نگاهی به سیر تحولات تشکیل سرمایه در تولید نشان می‌دهد که روند نوسانی و در اغلب موارد، سیر نزولی تشکیل سرمایه در بخش صنعت نساجی، حاکی از فرسوده شدن فناوری تولید در این بخش است. شکل ۴ سهم تشکیل سرمایه ثابت صنعت نساجی از کل صنعت را نشان می‌دهد.

شکل ۴. نمودار سهم تشکیل سرمایه ثابت صنعت نساجی از کل صنعت [۵]

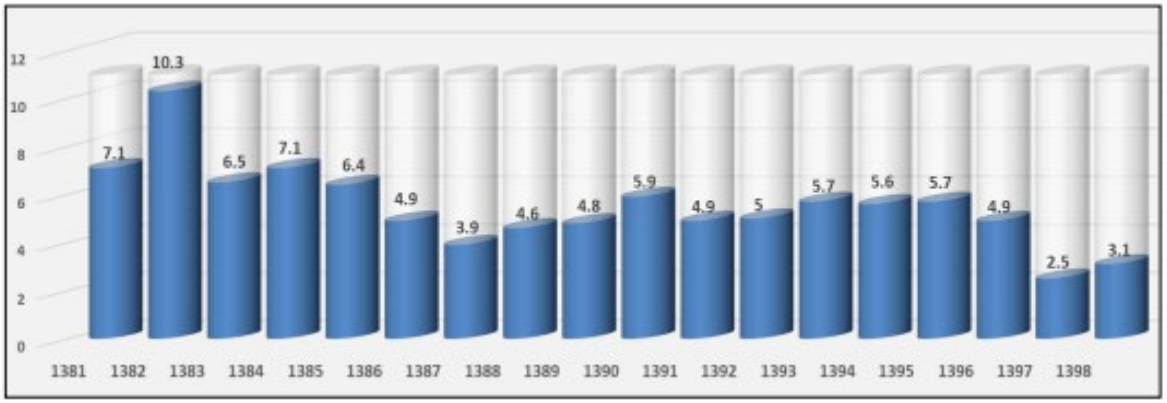

طبق شکل ۴، درحالی‌که سهم تشکیل سرمایه ثابت صنعت نساجی از کل صنعت در سال ۱۳۸۱ برابر با ۷/۱ درصد بوده و حتی در سال ۱۳۸۲ به عدد ۱۰/۳ درصد نیز رسیده، طی یک روند نزولی به میزان ۳/۱ درصد در سال ۱۳۹۸ تنزل کرده است. باتوجه‌به ضرورت نوسازی و بازسازی در این صنعت، علاوه‌بر اجرای طرح‌های توسعه‌ای جدید و باتوجه‌به ضرورت واردات برخی از ماشین‌آلات در این حوزه به‌دلیل عدم ساخت و کفایت تولید، در جدول ۶ آمار واردات ماشین‌آلات نساجی در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ ارائه شده است.

جدول ۶. آمار واردات ماشین‌آلات نساجی در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳[۳]

شرح	۱۴۰۲		۱۴۰۳	
	وزن (تن)	ارزش(هزار دلار)	وزن (تن)	ارزش (هزار دلار)
انواع ماشین‌آلات	۵/۳۹۲۱۱	۹/۴۲۹۰۴۳	۷/۳۱۵۱۸	۳۶۲۶۵۶

همان‌طور که از آمار جدول ۶ مشخص است، واردات ماشین‌آلات نساجی در سال ۱۴۰۳ نسبت به سال ۱۴۰۲ روند نزولی داشته است.

۳. مبانی نظری تعیین نرخ تعرفه در زنجیره ارزش

سیاستگذاری تعرفه‌ای در یک زنجیره ارزش چندمرحله‌ای نیازمند رویکردی سیستمی است. تعرفه بر یک محصول نهایی (مانند پوشاک) صرفاً تابعی از نرخ تعرفه آن محصول نیست، بلکه تحت تأثیر نرخ تعرفه‌های نهاده‌های ورودی آن (مانند پارچه، نخ، الیاف و مواد شیمیایی) قرار دارد. تعرفه‌ها باید متناسب با میزان سرمایه‌گذاری انجام شده در داخل، عمق ساخت کالا، موقعیت آن در زنجیره تأمین (از مواد اولیه تا محصول نهایی) و همچنین رقبای جهانی آن کالا تعیین شوند. به‌طور کلی در زنجیره نساجی و پوشاک، نرخ تعرفه مناسب باید بر مبنای اصول اساسی ذیل تنظیم شود:

الف) حمایت متوازن در طول زنجیره: اگر تعرفه پارچه (ماده اولیه برای پوشاک) بالا باشد، اما تعرفه پوشاک (محصول نهایی) پایین‌تر باشد، تولیدکنندگان پوشاک در مقایسه با واردکنندگان پوشاک، دچار زیان رقابتی می‌شوند. این امر باعث می‌شود ارزش‌افزوده در مرحله دوخت و تکمیل، و سرمایه‌گذاری در این مراحل کاهش یابد. بنابراین، تعرفه باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که هر مرحله از زنجیره، مزیت رقابتی محافظت شده‌ای متناسب با میزان ارزش‌افزوده ایجاد شده در آن مرحله کسب کند.

ب) تناسب با سیاست ارزی و نرخ ارز واقعی: در شرایطی که شکاف نرخ ارز (اختلاف بین نرخ ارز رسمی و بازار آزاد) معنادار است، تعرفه‌های بالا ممکن است اثر عکس داشته باشند. اگر واردات رسمی با نرخ ارز رسمی انجام شود، تعرفه بالا واردات رسمی را محدود می‌کند؛ اما اگر دسترسی به ارز رسمی محدود باشد، واردکنندگان به بازار آزاد روی می‌آورند. در نتیجه، تعرفه بالا در کنار نرخ ارز آزاد، به گرانی شدید کالا و افزایش جذابیت قاچاق منجر می‌شود.

ج) هم‌ترازی با سطح خودکفایی و جلوگیری از فشار بر صنایع پایین‌دستی: سیاست تعرفه‌ای باید پویا باشد. در صنایعی که خودکفایی بالاست، تعرفه می‌تواند بالاتر باشد. اما در محصولاتی که نیاز به واردات فناوری یا مواد اولیه خاص وجود دارد، تعرفه باید متعادل‌تر باشد تا موجب توقف تولید در صنایع پایین‌دستی نشود. افزایش تعرفه در حلقه‌های میانی، درصورتی قابل توجیه است که از طریق رشد عرضه داخلی، ارتقای کیفیت و بهبود بهره‌وری، اثر تورمی آن در ادامه زنجیره مهار شود.

د) مقایسه نرخ تعرفه با هزینه مؤثر قاچاق: براساس نظریه اقتصاد غیررسمی، نرخ تعرفه باید در سطحی تعیین شود که واردات رسمی از نظر اقتصادی نسبت به قاچاق به‌صرفه‌تر باشد. درصورتی که نرخ تعرفه از هزینه قاچاق فراتر رود، سیاست تعرفه‌ای نه‌فقط به حمایت از تولید داخلی منجر نمی‌شود، بلکه گسترش قاچاق و تضعیف شفافیت بازار را در پی خواهد داشت.

هـ) پویایی و زمان‌دار بودن تعرفه: در ادبیات سیاست صنعتی، تعرفه ابزاری موقت و پویا تلقی می‌شود. نرخ تعرفه باید متناسب با افزایش ظرفیت داخلی، ارتقای کیفیت محصول و کاهش وابستگی به واردات، به‌تدریج تعدیل شود. تثبیت بلندمدت تعرفه در یک سطح ثابت برخلاف منطق توسعه صنعتی و به زیان رقابت‌پذیری خواهد بود.

۴. برآورد هزینه قاچاق و نقش آن در کارآمدی سیاست تعرفه‌ای

یکی از متغیرهای کلیدی که بر اثربخشی سیاست‌های تعرفه‌ای در صنایع نساجی و پوشاک تأثیر مستقیم می‌گذارد، «هزینه قاچاق» است. هزینه قاچاق عبارت است از مجموع هزینه‌هایی که واردکننده غیررسمی برای ورود کالا به کشور پرداخت می‌کند. این هزینه‌ها شامل هزینه حمل غیررسمی، ریسک کشف و ضبط، هزینه شبکه توزیع غیررسمی و هزینه‌های مالی در بازار قاچاق است. ازسویی هزینه‌های واردات رسمی شامل تعرفه، مالیات بر ارزش‌افزوده و سایر هزینه‌های گمرکی و ترخیص است که مهم‌ترین پارامتر تعرفه است. در ادامه در سناریوهای مختلف هزینه قاچاق پارچه و واردات رسمی آن مقایسه شده است. برای این منظور در جدول ۷ مفروضات محاسبات و در جدول ۸ محاسبات هزینه واردات رسمی و هزینه قاچاق پارچه ارائه شده است.

جدول ۷. مفروضات محاسبات هزینه واردات رسمی و قاچاق پارچه سال ۱۴۰۴[1]

شرح			مقادیر
واردات رسمی	قیمت پارچه (هر کیلو)		۶ دلار
	نرخ تعرفه	فعلی	۱۵
		پیشنهادی	۳۰
	مالیات بر ارزش‌افزوده		۱۰ درصد
	هزینه‌های جانبی گمرکی و ترخیص		۳ درصد
	نرخ ارز بازار مبادله	قدیم (مورخ ۱۴۰۴/۹/۲۵)	۷۲ هزار تومان
		جدید (مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۳۰)	۱۲۳ هزار تومان
	نرخ ارز تالار دوم	قبلی (مورخ ۱۴۰۴/۹/۲۵)	۹۰ هزار تومان
		جدید (مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۳۰)	۱۳۵ هزار تومان
هزینه قاچاق	هزینه عملیاتی قاچاق (حمل و تخلیه و بارگیری و...) هزینه باربری: کیلویی ۲۴۰ تا ۲۵۰ هزار تومان – هزینه تخلیه و بارگیری در دبی هر عدل (۷۰ – ۸۰ کیلوگرم) ۶ درهم و هزینه ترانزیت ۹۰ میلیون تومان (هر ترانزیت حدود ۱۶ تن است).		
هزینه واردات تەلنجی و ملوانی	هزینه باربری: کیلویی ۱۳۰ تا ۱۴۰ هزار تومان ۵% ارزش گمرکی هزینه تخلیه و بارگیری در دبی هر عدل (۷۰ – ۸۰ کیلوگرم) ۶ درهم و هزینه ترانزیت ۹۰ میلیون تومان (هر ترانزیت حدود ۱۶ تن است).		
نرخ ارز بازار آزاد		قدیم (مورخ ۱۴۰۴/۹/۲۵)	۱۲۷ هزار تومان
		جدید (مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۳۰)	۱۵۵ هزار تومان

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۱. مفروضات محاسبات در این گزارش مربوط به شرایط قبل از جنگ رمضان است.

جدول۸. برآورد هزینه واردات رسمی و هزینه قاچاق پارچه در سناریوهای مختلف

شرح		شرایط ارزی قدیم (مورخ ۱۴۰۴/۹/۵۲)		شرایط ارزی جدید (مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۳۰)	
		واردات رسمی با تعرفه ۱۵ درصد	واردات رسمی باتعرفه ۳۰ درصد	واردات رسمی با تعرفه ۱۵ درصد	واردات رسمی باتعرفه ۳۰ درصد
واردات رسمی	قیمت پایه (تومان)	۷۲۰۰۰*۶=۴۳۲۰۰۰	۷۲۰۰۰*۶=۴۳۲۰۰۰	۱۲۳۰۰۰*۶=۷۳۸۰۰۰	۱۲۳۰۰۰*۶=۷۳۸۰۰۰
	محاسبه تعرفه	۶۴۸۰۰ = ۰.۱۵*۴۳۲۰۰۰	۱۲۹۶۰۰ =۰.۳*۴۳۲۰۰۰	۱۱۰۷۰۰=۰.۱۵*۷۳۸۰۰۰	۲۲۱۴۰۰ =۰.۳*۷۳۸۰۰۰
	قیمت با احتساب تعرفه	۴۹۶۸۰۰= ۴۳۲۰۰۰+۶۴۸۰۰	=۵۶۱۶۰۰ ۴۳۲۰۰۰+۱۲۹۶۰۰	۸۴۸۷۰۰=۷۳۸۰۰۰+۱۱۰۷۰۰	۹۵۹۴۰۰=۷۳۸۰۰۰+۲۲۱۴۰۰
	محاسبه مالیات بر ارزش‌افزوده	۴۹۶۸۰= ۰.۱*۴۹۶۸۰۰	۵۶۱۶۰=۰.۱*۵۶۱۶۰۰	۸۴۸۷۰=۰.۱*۸۴۸۷۰۰	۹۵۹۴۰=۰.۱*۹۵۹۴۰۰
	قیمت با احتساب تعرفه و مالیات بر ارزش‌افزوده	۴۹۶۸۰۰+۴۹۶۸۰ =۵۴۶۴۸۰	۵۶۱۶۰۰+۵۶۱۶۰ =۶۱۷۷۶۰	۹۳۳۵۷۰=۸۴۸۷۰۰+۸۴۸۷۰	۱۰۵۵۳۴۰=۹۵۹۴۰+۹۵۹۴۰۰
	محاسبه هزینه‌های جانبی	۱۶۳۹۴=۰.۰۳*۵۴۶۴۸۰	۱۸۵۳۳ =۰.۰۳*۶۱۷۷۶۰	۲۸۰۰۷=۰.۰۳*۹۳۳۵۷۰	۰.۰۳*۱۰۵۵۳۴۰ =۳۱۶۶۰
	قیمت پارچه با نرخ ارز تالار دوم (تومان)	۹۰۰۰۰*۶=۵۴۰۰۰۰	۹۰۰۰۰*۶=۵۴۰۰۰۰	۱۳۵۰۰۰*۶=۸۱۰۰۰۰	۸۱۰۰۰۰=۶*۱۳۵۰۰۰
	هزینه کل (قیمت پارچه با نرخ تالار دوم+ تعرفه+مالیات بر ارزش‌افزوده+ هزینه‌های جانبی+ هزینه حمل)	۵۴۰۰۰۰+۶۴۸۰۰+۴۹۶۸۰+۱ ۸۱۸۲۱۳=۶۳۹۴+۱۴۷۳۳۹	۵۴۰۰۰۰+۱۲۹۶۰۰+۵۶۱۶۰+۱ ۸۹۱۶۳۲=۸۵۳۳+۱۴۷۳۳۹	۸۱۰۰۰۰+۱۱۰۷۰۰+۸۴۸۷۰+۲۸۰۰۷ =+۱۴۸۵۳۹	۸۱۰۰۰۰+۲۲۱۴۰۰+۹۵۹۴۰+۳۱۶۶۰+ ۱۳۰۷۵۳۹=۱۴۸۵۳۹
	هزینه واردات رسمی (تومان/کیلوگرم)	۸۱۸۲۱۳	۸۹۱۶۳۲	۱۱۸۲۱۱۶	۱۳۰۷۵۳۹

شرح		شرایط ارزی قدیم (مورخ ۱۴۰۴/۹/۵۲)		شرایط ارزی جدید (مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۳۰)	
		واردات رسمی با تعرفه ۱۵ درصد	واردات رسمی باتعرفه ۳۰ درصد	واردات رسمی با تعرفه ۱۵ درصد	واردات رسمی باتعرفه ۳۰ درصد
قاچاق	متوسط هزینه عملیاتی قاچاق مطابق مفروضات	۲۶۰۰۰۰		۲۶۰۰۰۰	
	قیمت پارچه با نرخ ارز آزاد (تومان)	۷۶۲۰۰۰ =۶*۱۲۷۰۰۰		۹۳۰۰۰۰ =۶*۱۵۵۰۰۰	
	هزینه کل قاچاق (مجموع قیمت پارچه و هزینه عملیاتی قاچاق)	۱۰۲۲۰۰۰ =۷۶۲۰۰۰+۲۶۰۰۰۰		۱۱۹۰۰۰۰=۹۳۰۰۰۰+۲۶۰۰۰۰	
	هزینه قاچاق (تومان/ کیلوگرم)	۱۰۲۲۰۰۰		۱۱۹۰۰۰۰	
واردات تەلنجی	قیمت پایه با نرخ ارز بازار مبادله (تومان)	۷۲۰۰۰۰*۱۰=۷۲۰۰۰۰		۱۲۳۰۰۰۰=۱۰*۱۲۳۰۰۰	
	محاسبه حقوق گمرکی** (۵ درصد)	۳۶۰۰۰ =۰.۰۵*۴۳۲۰۰۰		۶۱۵۰۰=۰.۰۵*۱۲۳۰۰۰۰	
	مجموع هزینه حمل و حقوق گمرکی	۱۸۳۳۳۹=۱۴۷۳۳۹+۳۶۰۰۰		۲۱۰۰۳۹==۶۱۵۰۰+۱۴۸۵۳۹	
	قیمت پارچه با نرخ ارز آزاد (تومان)	۷۶۲۰۰۰=۶*۱۲۷۰۰۰		۹۳۰۰۰۰=۶*۱۵۵۰۰۰	
	هزینه کل واردات تەلنجی (مجموع هزینه حمل و حقوق گمرکی و قیمت پارچه)	۹۴۵۳۳۹=۷۶۲۰۰۰+۱۸۳۳۳۹		۱۱۴۰۰۳۹=۹۳۰۰۰۰+۲۱۰۰۳۹	
	هزینه واردات تەلنجی (تومان/ کیلوگرم)	۹۴۵۳۳۹		۱۱۴۰۰۳۹	

* مطابق مصوبات کارگروه ماده (۴) قانون سامان‌دهی و نظارت بر تجارت مرزی (کول‌بری و ملوانی) و ایجاد اشتغال پایدار مرزنشینان در اواخر آذرماه سال ۱۴۰۴، حداقل ارزش پارچه وارداتی در رویه‌های کول‌بری و ملوانی از کشور چین ۱۰ دلار، ترکیه و کره ۱۲ دلار و ژاپن و اروپا ۱۵ دلار تعیین شد. بااینکه اجرای مقرره مذکور در اواخر سال اجرا شد، در محاسبات قیمت ۱۰ دلار لحاظ شد.

** در محاسبات واردات ته لنجی فقط ۵۰ درصد مالیات بر ارزش افزوده (معادل ۵ درصد) لحاظ شده، لکن مطابق قانون از سال دوم اعمال پلکانی حقوق گمرکی و سایر عوارض قانونی سالانه به میزان ۲۰ درصد مقرر در رویه تجاری مطابق شرایط مندرج در قانون، در طول اجرای قانون مجاز است.

مأخذ: همان.

همان‌طورکه از آمار جدول ۸ مشـــخص اســـت، برمبنای مفروضات جدول ۷ با افزایش نرخ ارز و اجرای قانون «سامان‌دهی و نظارت بر تجارت مرزی(کول‌بری و ملوانی) و ایجاد اشتغال پایدار مرزنشینان»، واردات از طریق ملوانی نسبت به واردات رسمی پارچه در هر دو حالت نرخ تعرفه فعلی و افزایش نرخ تعرفه هزینه کمتری دربردارد و نسبت به واردات رسمی مقرون‌به‌صرفه‌تر است. شایان ذکر است، هرچند با اعمـــال مصوبه کارگروه ماده (۴) قانون «ســـامان‌دهی و نظارت بر تجارت مرزی (کول‌بری و ملوانی) و ایجاد اشـــتغال پایدار مرزنشینان» تلاش شده است با تعیین حداقل ارزش محموله‌های وارداتی در رویه‌های کول‌بری و ملوانی، پارچه با ارزش بیشتری اظهار شود؛ اما به‌دلیل پایین بودن حقوق گمرکی و سایر عوارض قانونی مطابق محاسبات انجام شده، اثربخشی این مقرره در سال ۱۴۰۴ ناچیز است. درخصوص قاچاق محاسبات نشان می‌دهد، با افزایش نرخ تعرفه، هزینه قاچاق نسبت به واردات رسمی کاهش می‌یابد و حتی با افزایش نرخ ارز و افزایش تعرفه، قاچاق نسبت به واردات رســـمی با هزینه کمتری انجام‌پذیر است. شایان ذکر است، ازجمله عواملی که می‌تواند بر هزینه قاچاق در مقایسه با هزینه واردات رســـمی بیفزاید، افزایش هزینه‌های عملیاتی قاچاق ازجمله افزایش ریسک کشف قاچاق است. در حال حاضر ریسک کشف قاچاق پارچه بسیار ناچیز و نزدیک به صفر است. دراین خصوص در ادامه به‌اختصار به نکاتی اشاره شده است:

– لزوم بازدارندگی مؤثر در برابر قاچاق

برای آنکه افزایش نرخ تعرفه بتواند نقش واقعی خود را در حمایت از تولید داخلی ایفا کند، ضروری است به‌موازات آن سازوکارهای کاهش قاچاق نیز تقویت شـــود. درصورت نبود کنترل مؤثر، اختلاف قیمت ناشی از افزایش تعرفه عملاً جذابیت قاچاق را بیشتر می‌کند و سیاست تعرفه‌ای را بی‌اثر می‌سازد. ازاین‌رو باید مجموعه‌ای از ابزارهای مکمل شامل ایجاد و توسعه گمرک‌های تخصصی کالاهای نساجی، تقویت سامانه‌های رهگیری و شناسه‌گذاری، تسریع در اجرای قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان و نصب پایانه‌های فروشگاهی، افزایش نظارت در مناطق آزاد و مبادی ورودی، بهینه‌سازی فرایندهای ثبت سفارش و همچنین کاهش مسیرهای واردات غیررسمی و شبه‌رسمی به‌کار گرفته شود. هدف آن است که هزینه و ریسک قاچاق به‌صورت محسوس افزایش یابد تا انگیزه واردات غیرقانونی کاسته شود و سیاست‌های حمایتی تعرفه‌ای بتوانند اثرگذاری واقعی در کل زنجیره ارزش صنعت نساجی و پوشاک داشته باشند. در جدول ۹ آمار واردات پارچه از مناطق ویژه، آزاد و بازارچه مرزی در سال ۱۴۰۳ ارائه شده است.

جدول ۹. آمار واردات پارچه از مناطق ویژه، آزاد و بازارچه مرزی در سال ۱۴۰۳ [۳]

نام محصول	وزن (تن)	ارزش (هزار دلار)
پارچه پنبه‌ای	۳۲۲۱	۷/۱۶۲۶۳
پارچه فیلامنتی	۱۱۱۳۵۹	۳/۶۳۶۸۲۶
پارچه از الیاف ریسیده	۹/۹۴۲	۷/۶۰۴۴
پارچه‌های تاری و پودی	۵/۴۷۹۶	۹/۱۵۹۰۴
پارچه کشباف	۶/۸۷۵۰	۹/۴۴۰۸۸
جمع	۱۲۹۰۷۰	۷۱۹۱۲۸

براساس آمار انجمن صنایع نساجی ایران از مجموع واردات پارچه فیلامنتی از مناطق مختلف معادل ۵۲۲۰۷/۷ تن به ارزش ۳۰۱۸۴۶/۹ هزار دلار از منطقه آزاد تجاری اروند - خرمشهر و معادل ۴۲۰۰۸ تن به ارزش ۲۳۴۴۱۸ هزار دلار از منطقه ویژه اقتصادی بوشهر (۱) وارد کشور شده است. این آمار در نسبت به کل پارچه وارد شده از مناطق آزاد و ویژه و بازارچه‌های مرزی معادل ۷۳ درصد وزنی و ۷۵ درصد ارزشی است. به‌عبارتی با ایجاد گمرکات تخصصی در این دو منطقه می‌توان با تدقیق بیشتری واردات پارچه به کشور را رصد کرد. درخصوص مناطق مرزی نیز باتوجه‌به افزایش واردات از مسیر ملوانی و ته‌لنجی، تجهیز این مناطق به‌منظور انجام تشـــریفات گمرکی و کنترل محموله‌های وارداتی ضروری است.

۵. تحلیل کمّی اثر افزایش تعرفه بر قیمت پارچه

افزایش تعرفه واردات پارچه از ۱۵ به ۳۰ درصد (معادل افزایش ۱۰۰ درصدی در نرخ تعرفه اســـمی) تأثیر مستقیم بر قیمت پارچه وارداتی خواهد داشت. در ادامه برای بررسی تأثیر مستقیم این سیاست با استفاده از برآوردهای جدول ۷ اثر افزایش تعرفه پارچه بر قیمت آن در جدول ۹ برآورد شده است. همان‌طور که در محاسبات جدول ۷ ارائه شده اســـت، افزایش تعرفه واردات مواد اولیه، دو اثر اصلی و متوالی بر زنجیره ارزش تولید داخلی به شرح ذیل می‌گذارد:

الف) اثر مستقیم (حقوق ورودی)

افزایش نرخ تعرفه به‌طور مستقیم هزینه حقوق ورودی را افزایش می‌دهد. این اثر به‌تنهایی ۱۰۰ درصد افزایش در مبلغ عوارض گمرکی ایجاد می‌کند.

ب) اثر غیرمستقیم (اثر مالیاتی)

علاوه‌بر اثر مستقیم افزایش تعرفه بر حقوق ورودی تأثیر آن بر پایه مالیات بر ارزش‌افزوده نیز باید مدنظر قرار گیرد. مالیات برارزش‌افزوده بر ارزش کالا پس از احتساب تمام حقوق ورودی و عوارض اخذ می‌شود.

جدول ۱۰. برآورد اثر افزایش تعرفه پارچه بر قیمت آن

شرح	شرایط ارزی قدیم (مورخ ۱۴۰۴/۹/۲۵)		شرایط ارزی جدید (مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۳۰)	
	تعرفه ۱۵ درصد	تعرفه ۳۰ درصد	تعرفه ۱۵ درصد	تعرفه ۳۰ درصد
قیمت پایه	۷۲۰۰۰۰	۷۲۰۰۰۰	۱۲۳۰۰۰۰	۱۲۳۰۰۰۰
قیمت با احتساب تعرفه	۸۲۸۰۰۰	۹۳۶۰۰۰	۱۴۱۴۵۰۰	۱۵۹۹۰۰۰
قیمت با احتساب مالیات بر ارزش‌افزوده	۹۱۰۸۰۰	۱۰۲۹۶۰۰	۱۵۵۵۹۵۰	۱۷۵۸۹۰۰
درصد تغییر قیمت پارچه با افزایش تعرفه	۱۳ درصد			

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

براساس محاسبات انجام شده، افزایش تعرفه واردات پارچه از ۱۵ به ۳۰ درصد، به‌طور مستقیم به افزایش تقریبی ۱۳ درصد در قیمت نهایی پارچه وارداتی (براساس فروض مذکور) منجر می‌شود.

■ **اثر بر هزینه تولید پوشاک**

شایان ذکر است، سهم پارچه در بهای تمام شده پوشاک متفاوت است و به نوع محصول بستگی دارد. اما براساس داده‌های موجود، این سهم به‌طور متوسط در بازه ۴۰ تا ۵۰ درصد متغیر است. بدین‌ترتیب، برآورد می‌شود که افزایش تعرفه پارچه به‌طور میانگین به افزایش ۵/۲ تا ۶/۵ درصدی در بهای تمام شده پوشاک بینجامد.

۶. پیامدهای زنجیره‌ای افزایش تعرفه پارچه در صنعت نساجی و پوشاک

تأثیرات تعرفه جدید در سطوح مختلف زنجیره نساجی و پوشاک متفاوت خواهد بود:

■ **افزایش تقاضا و سودآوری بخش تولید نخ و پارچه داخلی:** افزایش تعرفه پارچه وارداتی، قیمت نسبی پارچه داخلی را در بازار افزایش می‌دهد. این افزایش قیمت، سودآوری کارخانجات نساجی را به‌ویژه در بخش‌های بافندگی، تکمیل و رنگرزی بهبود می‌بخشد.

■ **رشد سرمایه‌گذاری در صنعت نساجی:** سودآوری بالاتر می‌تواند انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری مجدد در نوسازی ماشین‌آلات بافندگی و تکمیل (رنگرزی و چاپ) در صنعت نساجی ایجاد کند؛ زیرا این مرحله اغلب گلوگاه اصلی صنعت نساجی ایران است. دراین‌خصوص سیاست‌های تجاری کشور درخصوص تسهیل ورود تجهیزات و ماشین‌آلات جدید به این صنعت نیز حائز اهمیت است. از این لحاظ تأکید می‌شود حمایت‌های تعرفه‌ای باید متناسب با شرایط کل زنجیره به‌صورت هدفمند و زمان‌دار درچارچوب برنامه توسعه صنعت نساجی و پوشاک تدوین شود.

■ **چالش ظرفیت و کیفیت تولید پارچه و آثار آن بر صنعت پوشاک:** اگر ظرفیت داخلی و البته کیفیت پارچه‌های تولید داخل پاسخ‌گوی تقاضای بازار نباشد، کمبود عرضه رخ می‌دهد و به افزایش قیمت پارچه‌های داخلی و وارداتی و فشار بیشتر بر تولیدکنندگان پوشاک منجر خواهد شد.

■ **کاهش حاشیه سود در صنعت پوشاک:** با افزایش هزینه‌های نهاده پارچه (۵/۲ تا ۶/۵ درصد افزایش در هزینه کل) واحدهای تولیدی پوشاک، با کاهش حاشیه سود مواجه می‌شوند.

■ **انتقال هزینه به مصرف‌کننده:** اگر تولیدکنندگان داخلی نتوانند افزایش هزینه را از طریق بهبود بهره‌وری جذب کنند، ناگزیر به افزایش قیمت فروش نهایی خواهند بود. این امر می‌تواند تقاضای مصرف‌کننده را کاهش دهد و به رکود در بازار پوشاک منجر شود.

■ **بخش غیررسمی و قاچاق:** به‌طورکلی با عنایت به سهولت قاچاق پارچه و پوشاک، هزینه پایین انتقال و حمل پارچه و پوشاک قاچاق به کشور، نرخ پایین کشفیات و نبود امکان ایجاد تمایز (بین کالای قاچاق و غیرقاچاق) و شناسه‌گذاری در این گروه کالایی، به‌نظر می‌رسد باید به وجود تناسب میان شاخص قاچاق‌پذیری و تعرفه پارچه و پوشاک بیشتر پرداخته شود.

۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که کارآمدی سیاست‌های حمایتی از تولید، ازجمله افزایش تعرفه یا سود بازرگانی، منوط به هماهنگی و یکپارچگی سیاست‌های کلان اقتصادی کشور است. اعمال سیاست تعرفه‌ای به‌صورت جزیره‌ای و بدون توجه به سایر اجزای سیاستگذاری اقتصادی، نه‌فقط به تحقق اهداف صنعتی منجر نمی‌شود، بلکه در مواردی می‌تواند عملاً بی‌اثر یا حتی ضدتولید باشد. به‌طور مشخص، افزایش نرخ تعرفه یا سود بازرگانی زمانی اثربخش خواهد بود که هم‌زمان سازوکارهای دورزننده آن مهار شود. برای مثال، اگر سیاست افزایش تعرفه از یک‌سو دنبال شود، اما ازسوی‌دیگر، واردات همان کالا یا کالای جایگزین آن از مسیرهایی نظیر رویه‌های کول‌بری و ملوانی، رویه‌های خاص، معافیت‌ها یا ضعف نظارت گمرکی با هزینه‌ای به‌مراتب کمتر امکان‌پذیر باشد، عملاً فشار تعرفه‌ای بر واردات رسمی بی‌اثر خواهد شد و مزیت تولید داخل محقق نخواهد شد. ازاین‌رو، هماهنگی سیاست تجاری با سایر سیاست‌های مکمل ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

ازسوی‌دیگر، سیاست ارزی و نحوه تخصیص ارز نیز باید در راستای اهداف توسعه زنجیره ارزش تنظیم شود. رشد یا تسهیل تخصیص ارز برای صنعت نساجی و پوشاک، زمانی می‌تواند به تقویت تولید داخلی بینجامد که به‌صورت هدفمند و متوازن در طول زنجیره تولید دیده شود و ناظر بر رفع گلوگاه‌های واقعی صنعت و تحریک بهره‌وری کل زنجیره باشد. در غیر این صورت، حتی سیاست‌های حمایتی تعرفه‌ای نیز قادر به جبران نبود تعادل‌های ناشی از سیاست ارزی نخواهند بود.

در مجموع، سیاست صنعتی مؤثر مستلزم بسته‌ای منسجم از سیاست‌های تعرفه‌ای، ارزی، تجاری، گمرکی و نظارتی است. ارائه برنامه تعرفه‌ای بلندمدت و پیش‌بینی‌پذیر، تجهیز مناطق مرزی به‌منظور انجام تشریفات گمرکی، ایجاد گمرکات تخصصی، توجه به بازسازی و نوسازی صنعت نساجی و افزایش سرمایه‌گذاری در این صنعت با هدف تولید بیشـــتر و با کیفیت‌تر، مدیریت کالاهای مجاز برای واردات از طریق رویه‌های کول‌بری و ملوانی ازجمله این موضوعات است. بدون چنین نگاه یکپارچه‌ای، فقط ابزار افزایش تعرفه، به‌جای آنکه به تقویت تولید، افزایش عمق ساخت داخل و کاهش وابستگی منجر شوند، ممکن است صرفاً به جابه‌جایی مسیر واردات، افزایش قاچاق و تضعیف رقابت‌پذیری بنگاه‌های رسمی بینجامند. لذا پیشنهاد می‌شود وزارت صمت (از طریق دفتر تخصصی و با همکاری نهادهای مربوطه) برنامه حمایتی مشخصی برای زنجیره پوشاک و نساجی کشور براساس مأموریت‌های مشخص شده در «سند راهبرد ملی پیشرفت صنعتی و ارتقای زنجیره‌های ارزش کشور» مصوب سال ۱۴۰۴، تدوین کند و هرگونه سیاست‌های حمایتی ازجمله حمایت‌های تعرفه‌ای، در قالب آن تعیین و اجرا شود.

منابع و مآخذ

[۱]. نتایج طرح آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر کشور سال ۱۴۰۲، مرکز آمار ایران، ۱۴۰۵.
[۲] آمار محصولات زنجیره ارزش صنایع نساجی و پوشاک طی سال‌های ۱۳۹۸ الی ۱۴۰۴، وزارت صنعت، معدن و تجارت، ۱۴۰۵.
[۳] آمار صادرات و واردات صنایع نساجی کشور (۱۴۰۴)، انجمن صنایع نساجی ایران.
[۴] گزارش برآورد حجم قاچاق سال‌های ۱۳۹۸ الی ۱۴۰۱، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز.
[۵] سند راهبردی صنعت نساجی و پوشاک، وزارت صنعت، معدن و تجارت، ۱۴۰۲.

عنوان: بازطراحی ساختار تعرفه‌ای صنایع نساجی - پوشاک با رویکرد توسعه زنجیره ارزش (۱): پیامدها و الزامات سیاستی افزایش حقوق ورودی پارچه

DOI: https://doi.org/10.22034/mrc.report.22063
Permanent Link: https://report.mrc.ir/article_12086.html
Publisher : Islamic Parliament Research Center of Iran



گزیده سیاستی

از منظر تناسب زنجیره، سیاست افزایش تعرفه پارچه از ۱۵ به ۳۰ درصد، می‌تواند سودآوری و انگیزه سرمایه‌گذاری در بخش تولید پارچه را افزایش دهد، اما در صورت اتخاذ نکردن سیاست‌های مکمل مناسب برای رشد ظرفیت و کیفیت تولید داخلی پارچه، فشار هزینه‌ای بر صنعت پوشاک و مصرف‌کننده نهایی مضاعف خواهد شد.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وب‌سایت: rc@majles.ir